



کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۲۱

۱۵ فروردین ۱۴۰۱

۴ آپریل ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

در پاسخ به یک سوال برای تدارک برگزاری یک اول مه باسکوه در ایران

اصغر کریمی، کاظم نیکخواه، کیوان جاوید، عبدل کلهریان، نسان نودینیان

صفحات ۲ تا ۷

دو اطلاعیه از کمپین برای آزادی کارگران زندانی

فراخوان به تجمع در مقابل دادگاه در اعتراض به دادگاهی شدن سه معلم

صفحه ۱۰

احضار ۴ فعال ندای زنان ایران به زندان

صفحه ۷

اول مه؛ فراخوان کل جامعه

به زیر پرچم کارگران

یاشار سهندی، صفحه ۸

۱۵ فروردین: تجمع

اعتراضی کشاورزان شرق و

غرب اصفهان

کشاورزان خواستار محاکمه

استاندار، دادستان و خشک

کنندگان زاینده رود شدند

صفحه ۵

از خوزستان چه خبر؟

کمیته سازمانده، واحد

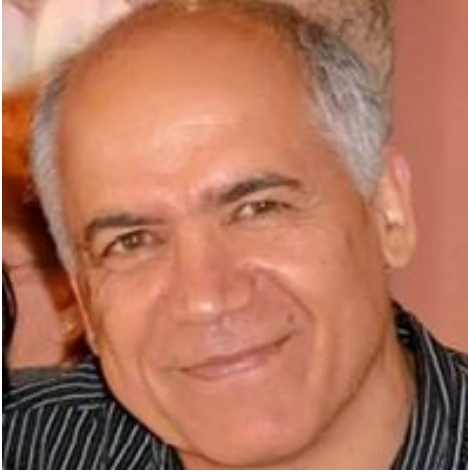
خوزستان، صفحه ۱۰

مدیای اجتماعی

صفحات ۱۱-۱۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دردارک اول مه، روز جهانی کارگر



پیش بسوی یک اول مه توده ای و تاریخی

دست به کار اول مه در سطح سراسری بشوند و فراخوان های تجمعات سراسری خودشان را منتشر کنند و در شهرهای مختلف فعالیت میدانی برای حضور حداکثری در تجمعات اول مه را شروع کنند. مراکزی مانند نفت و پتروشیمی ها، فولاد اهواز، هفت تپه، هپکو و آذرباب و کلیه مراکزی که اعتصابات پیوسته ای در آنها جریان داشته است، همه از این ظرفیت برخوردارند که نقش ویژه ای ایفا کنند.

صحبت من این است که تبدیل اول مه به یک روز اعتراضی بزرگ از زمینه های مناسبی برخوردار است اما تحقق این امر تماما بر دوش فعالین است. فعالین توقعات خیلی بزرگتر و کیفیتا متفاوتی امسال نسبت به سال و سالهای قبل باید مقابل خود بگذارند و با رویکرد دیگری به اول مه نگاه کنند. در این صورت میتوان اول مه امسال را به روزی تاریخی در مبارزه طبقه کارگر و کل جامعه علیه جمهوری اسلامی و نظام حاکم تبدیل کرد.

علیه جهنمی که جمهوری اسلامی و سرمایه داری به مردم تحمیل کرده است تبدیل شود. فعالین کارگری پیشتاز اول مه بوده اند و همچنان نقش پیشتازی دارند. معلمان میتوانند به اول مه امسال کیفیت دیگری بدهند و نقطه عطفی ایجاد کنند،

از نظر توازن قوا و شرایط و فضای اعتراضی در جامعه این امکان وجود دارد که اول

مه امسال نقطه عطفی بزرگ و بیادماندنی در بزرگداشت این روز باشد و روز جهانی کارگر به

یک روز اعتراض عمومی علیه جهنمی که جمهوری اسلامی و سرمایه داری بر مردم

تحمیل کرده است تبدیل شود.

بازنشستگان و بخش هایی از کارگران که دست به اعتراضات و تحرکات سراسری میزنند از نفت تا مخبرات و معادن و پتروشیمی ها و کارگران شهرداری و ساختمانی و رانندگان کامیون میتوانند

شرایط و فضای اعتراضی در جامعه این امکان وجود دارد که اول مه امسال نقطه عطفی بزرگ و بیادماندنی باشد و روز جهانی کارگر به یک روز اعتراض عمومی

کارگر کمونیست: روز جهانی کارگر نزدیک است. با توجه به شرایط سیاسی جامعه و فضای اعتراضی در میان بخش های مختلف طبقه کارگر به نظر شما تم سیاسی اول ماه مه امسال چه باید باشد؟

اصغر کریمی: اعتصابات کارگری بی وقفه در جریان است. بازنشستگان در سطح سراسری تجمع میکنند. بخش های بیشتری از کارگران در ماههای گذشته به حرکات سراسری دست زده اند. معلمان بعنوان مشکل ترین بخش طبقه کارگر در صدها شهر همزمان و پشت سر هم اعتصاب و تحصن و تجمع سازمان میدهند. در سطح جامعه نیز فضای اعتراضی همه جا حاکم است. اعتراضات عمیق تر و رادیکال تر شده، طیف های متنوع تری از جامعه از جمله نویسندگان، ورزشکاران و هنرمندان و در آخرین مورد سینماگران زن متحدانه تر و سازمانیافته تر علیه تبعیضات و سرکوب ها و بیحقوقی ها دست به اعتراض میزنند. مادران دادخواه که سال قبل نیز در اول مه پیام دادند و همبستگی شان را با کارگران اعلام کردند امسال در موقعیت بسیار قوی تری قرار دارند. دهها میلیون نفر در فقر و محرومیت غیر قابل وصفی فرورفته اند و نارضایتی از سر و کول جامعه بالا میرود. و همه میدانند که حکومت در اوج بحران و ناتوانی به سر میرود. این فضای اعتراضی در جامعه است.

تم سیاسی اول مه میتواند اعتراض علیه کل جهنم حاکم باشد، اعتراض علیه گرانی و فقر و محرومیت که دامنگیر کل

سوسیالیسم راه نجات ما است!

چند دهه است که زندگی ما را دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردی شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند. سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. با سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

دردارک اول مه، روز جهانی کارگر

یک سوال از کاظم نیکخواه



کارگر کمونیست: به نظر شما در اول مه امسال بر چه شعار و مطالبات باید فوکوس داشت که پاسخی به اوضاع سیاسی امروز باشد؟

کاظم نیکخواه: اول مه هر سال تبلور فضا و توازن قوایی است که در روزها و ماههای قبل از آن ایجاد شده است. اینکه چگونه برگزار شود و چه شعارها و خواستهایی را مورد تاکید قرار دهد، بستگی به فضای جنبش کارگری و اوضاع سیاسی جامعه دارد. فضایی که در فاز قبل از اول مه ایجاد شده است. بر اساس این فضا میتوان نتیجه گرفت که چه شعارها و خواستهایی میتواند و باید مورد تاکید قرار گیرد و برجسته شود.

اینجا فرصت پرداختن به کل اوضاع قبل از اول مه طبعاً نیست. اما ما شاهد اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران در سال گذشته بودیم که سرگلهای آن اعتصاب هفت تپه و نفت بود و به خصوصی کردن و کار پیمانی اعتراض داشتند و بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۶ میلیونی تاکید گذاشتند. شاهد اعتصابات سراسری معلمان بودیم که به زندگی زیر خط فقر و تبعیضات و آموزش کالایی اعتراض داشتند و خواستار آموزش رایگان و با استانداردهای بالا برای همه کودکان بودند. شاهد تجمعات سراسری بازنشستگان بودیم که علیه حقوقهای زیر

خط فقر و اختلاسها اعتراض داشتند. در عین حال اوضاع سیاسی جامعه یک فضای متعرضی را نشان میداد که زنان حجابها را دور انداختند. صدای جمعها و تشکلهای زنان آزادیخواه و برابری طلب برجسته تر شنیده شد. تعرض به آخوندها و پادوهای حکومت بیشتر شد. جنبش دادخواهی صدایش همه جا شنیده شد. از درون زندانها فریاد اعتراض به

بدون حکومت اسلامی و دنیای بهتر و شاد و آزاد برای همه مردم هستند. اول مه میتواند و باید همین فضا را

**شعار حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، افزایش حقوقها بالای خط فقر ۱۶ میلیونی،
درمان و آموزش رایگان، آزادی معلمان و کارگران زندانی، آزادی تمامی زندانیان
سیاسی و لغو مجازات اعدام، لغو آموزش کالایی و ایدئولوژیک، لغو حجاب و سنتهای ضد زن، لغو کار
کودکان. میشود گفت که اینها نقطه اشتراکات تمام این اعتراضات
میکند. میتوان با انتشار بیانیههایی هماهنگ و مشترک برای نوع خواستهها تاکید کرد.**

سرکوبها و تعرضات بلند شد. جنبش علیه اعدام بسیار گسترده بود. جنبش علیه سانسور وسیع بود. جنبشی علیه قتلهای ناموسی براه افتاد و الی آخر. این جنبشها بسیار شفاف و فعال و امید بخش به پیش میروند و بطور واقعی نوید بخش آینده ای

اشکال مبارزه ای که در پیش میگیرند میتواند هماهنگ و در یک راستا باشد. شعار حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۶ میلیونی، درمان و آموزش رایگان، آزادی معلمان و کارگران زندانی، آزادی تمامی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام، لغو آموزش کالایی و ایدئولوژیک، لغو حجاب و سنتهای ضد زن، لغو کار کودکان. میشود گفت که اینها نقطه اشتراکات تمام این اعتراضات را بیان میکند. میتوان با انتشار بیانیههایی هماهنگ و مشترک بر این نوع خواستهها تاکید کرد. و در اول مه سنگ بنای یک دوره جدید از اتحاد مبارزاتی و طبقاتی را گذاشت و کاری کرد که با یک طوفان سراسری و طبقاتی، حکومت دزدان و مفتخوران حاکم به مخمصه جلدی بیفتند.

اول مه در عین حال روز جشن کارگران است. میتوان با پخش شیرینی و گل در میان کارگران و مردم در هر کجا که هستیم، فضای اول مه را بازتاب دهیم و توجهها را به این روز جلب کنیم.

زندگی انسانی حق مسلم ماست

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصممیم انقلابمان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان تداوم بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه ای آزاد و مرفه و برابر زندگی کنیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست.



های ویرانگر در چهار گوشه جهان است. سرمایه داری یعنی نابودی محیط زیست و عدم کنترل و مبارزه قاطع با دهها بیماری قابل پیشگیری که روزانه جان میلیونها نفر را می گیرد. سرمایه داری یعنی ستم بر زنان در بخش اعظم جهان، یعنی تبدیل کودکان به نیروی کار، یعنی سقط جنین اجباری از سر فقر و نیاز. سرمایه داری یعنی رهبران کارگری و فعالین جنبش های اعتراضی در زندان، یعنی گارد ضد شورش و زندان و شکنجه در مقابل خواست دستمزد های پرداخت نشده. یعنی سیستم قضایی عشیره ای و عقب مانده اسلامی.

در تقابل و مبارزه با این بربریت سرمایه داری، تنها یک طبقه، نه فقط بعنوان تولید کننده و تضمین کننده رفاهیات و آسایش زندگی همگان، که بعنوان رها کننده کل جامعه پا به عرصه مبارزه می گذارد. به همین دلیل طبقه کارگر هم سرنوشت همه آحاد جامعه است. همسرنوشت بیکاران و زنان غیر شاغل و تحت انقیاد و ستم مردسالاری و سیستم ضد زن اسلامی، هم سرنوشت بازنشستگان و معلمان و نهایتا همه مردم، غیر از استثمارگران است. طبقه کارگر، هم برای رفاهیات امروز در همین نظام حاکم می جنگد و هم برای از بین بردن این مناسبات ظالمانه و نابرابر نظام سرمایه داری می جنگد. پیروزی و پیشرفت در تحمیل رفاهیات بیشتر و به زیر کشیدن بربریت سرمایه داری مستقیما و بلاواسطه امکان رهایی کل بشریت را تضمین می کند. به این دلیل روز جهانی کارگر به همه متعلق است و باید توسط همه مردم گرامی و جشن گرفته شود.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر و همه مردم.

شورش علیه وضع موجود شکل می گیرد. چون کارگر ابزار نیست، کالا نیست، روبات نیست. بشر است و همه زندگی را می خواهد. اینجا است که منافع طبقه کارگر، منافع کل بشریت می شود و برای حفظ زندگی خود مجبور است کل بشریت را رها و آزاد کند.

وقتی می گوئیم روز جهانی کارگر فقط یک روز برای کارگران نیست، داریم به این حقیقت اجتماعی اشاره می کنیم. طبقه کار از بیکاری جویندگان کار، از تحت

کنند تا کالا تولید شود. همانطور که سرمایه دار، ابزار تولید را از قبل می خرد و پولش را می پردازد، برای ساعات معینی نیروی کار کارگر را می خرد و از این «ابزار» برای تولید کالا مورد نظرش

طبقه کارگر هم سرنوشت با همه آحاد جامعه است. همسرنوشت بیکاران و زنان غیر شاغل و تحت انقیاد و تحت ستم مردسالاری و سیستم ضد زن اسلامی، هم سرنوشت بازنشستگان و معلمان و نهایتا همه مردم، غیر از استثمارگران است. طبقه کارگر، هم برای رفاهیات امروز در همین نظام حاکم می جنگد و هم برای از بین بردن این مناسبات ظالمانه و نابرابر نظام سرمایه داری می جنگد. پیروزی و پیشرفت در تحمیل رفاهیات بیشتر و به زیر کشیدن بربریت سرمایه داری مستقیما و بلاواسطه امکان رهایی کل بشریت را تضمین می کند. به این دلیل روز جهانی کارگر به همه متعلق است و باید توسط همه مردم گرامی و جشن گرفته شود.

ستم بودن دیگر انسانها، از دشمن تراشی ها تحت عنوان اقلیت های قومی یا مذهبی، و وضعیت وخیم زندگی هم سرنوشتان خود نظیر بازنشستگان، معلمان و پرستاران و همه مزدبگیران ضرر می کند. مبارزه طبقه کارگر برای یک زندگی بهتر و دستیابی به رفاهیات و آزادی های سیاسی و اجتماعی بیشتر، یعنی رهایی همه مردم، همه نود و نه درصدی های جامعه در مقابل یک اقلیت زالو صفت، بی رحم و سود پرست .

بیاد داشته باشیم، سرمایه داری یعنی همه بلایا و فجایعی که امروز می بینیم. این نظام که حالا در سراسر جهان حاکم است، مترادف فقر و قحطی، تا جنگ

استفاده می کند. این کالا باید ارزانتر خریده شود و هر چه کمتر برای نگهداری و باز تولیدش هزینه پرداخت شود و وقتی مستهلک شد از چرخه تولید دور انداخته شود .

سرمایه دار، ارتش بیکاران درست می کند تا شمشیری بر سر کارگران شاغل باشند، تا امکان پایین نگهداشتن دستمزد را تضمین کنند. از این نگاه سرمایه دارانه کارگر بیکار باید یک ترس و هراس دائمی برای کارگران شاغل باشد. در این سیستم تلاش می شود کارگر خارجی و حتی غیر بومی به دشمن کارگران شاغل مبدل شود و انسانیت را فدای سود یک اقلیت ناچیز کند. اینجا است که مقاومت، مبارزه و

دردارک اول مه، روز جهانی کارگر

یک سوال از کیوان جاوید

کارگر کمونیست: ما میگوییم اول مه روز جهانی کارگر، فقط روز کارگر نیست. روز همه مردم است. توضیح شما چیست و چگونه این روز را به چنین روزی تبدیل کنیم؟

کیوان جاوید: فکر می کنم این دیگر آشکار باشد که طبقه کارگر یعنی تولید کنندگان زندگی. این شاید یک تعریف عام از وجود این طبقه اجتماعی باشد. به هر چیز و به هر جا نگاه کنیم یک طبقه را می بینیم که کار روزانه اش ادامه حیات بشریت را تامین و تضمین می کند. از آنچه می خوریم یا می نوشیم، مسکنی که در آن زندگی می کنیم، آب آشامیدنی ای سالم و بهداشتی و درمانی که از آن برخورداریم، تماما و بلاواسطه به کار یک طبقه گره خورده است.

کارگران در بنگلادش و هندوستان و چین از سپیده صبح تا غروب خورشید در مراکز تولیدی در رنج کار می کنند و ما آن سوی دنیا در آمریکا و اروپا با محصول کار آنها به حیات خود ادامه می دهیم. همین قانون در رابطه با کارگران آمریکا و ایران و همه جای جهان، تعریف وجودی یک طبقه جهانی است. طبقه کارگر.

سازندگان زندگی اما خود از ثمره کار و رنج و زحماتشان کمترین بهره را می برند. آنها از نگاه نظام سرمایه داری نه خالقین زندگی که خود، جزئی از ابزار کار اند. درست مثل همان ماشینی که روشن می



LONG LIVE

UMAY

INTERNATIONAL WORKERS' DAY

سوسیالیسم
تنها راه نجات بشریت
از سرمایه داری بیمار و تکیت زده!

زنده باد اول مه،
روز جهانی کارگر

تدارک اول مه، روز جهانی کارگر

یک سوال از عبدال گلپریان



قطعنامه ها و بیانیه های مشترک نهادها و تشکلهای کارگری با امضای بخش های مختلف معترض جامعه میتواند شکلی از قدرت نمایی متحد کارگران و مردم معترض در برابر سیستم سرمایه داری وحشی حاکم باشد. باید به تدارک چنین روزی برویم

برگزاری جشن و سرور یکی دیگر از اقدامات جا افتاده روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان و در همه جا است. برپایی مراسم شادی و پخش گل و شیرینی در محلات و در مراکز شهرها تا نواختن موزیک و تئاتر خیابانی که در کردستان روش جا افتاده ای است، همه و همه می تواند زینت بخش روز جهانی کارگر باشد. با توجه به فضای پر التهاب سیاسی، اعتراضی و خشم و تفرق کل جامعه از حاکمیت، می توان انتظار داشت که امسال روز جهانی کارگر در ابعاد و قامتی متفاوت از سالهای قبل ظاهر شود و مهر خود را بر جنبشهای اعتراضی در کل جامعه بکوبد. به امید برگزاری یک اول مه قدرتمند، اجتماعی و توده ای.

یک روز اعتراضی اجتماعی و با شکوه تبدیل کرد.

روز جهانی کارگر تنها روز کارگران نیست بلکه روز تمامی بخشهای مختلف مردم معترض و به زیر خط فقر رانده شده

روز جهانی کارگر تنها روز کارگران نیست بلکه روز تمامی بخشهای مختلف مردم

معترض و به زیر خط فقر رانده شده در جامعه است. باید در اول ماه مه کار را در همه جا

تعطیل کرد و این روز را یک روز جشن عمومی و سراسری تبدیل کرد.

در جامعه است. باید در اول ماه مه کار را در همه جا تعطیل کرد و این روز را به یک روز جشن عمومی و سراسری تبدیل کرد. قطعنامه ها و بیانیه های اول مه که مطالبات کارگران و کل جامعه را دربر می گیرد، باید به عنوان کیفرخواست ۹۹ درصدی ها علیه یک درصدهای حاکم منعکس شوند و در اعتراضات همچون پرچم مطالباتی برافراشته شده و بدرخشند.

بر در و دیوار شهرها، با تهیه بنر گرامیداشت اول مه روز جهانی کارگر، با انتشار پیامهای صوتی و تصویری در گرامیداشت این روز و با ایجاد فضایی به رنگ و بوی روز جهانی کارگر، و با بکارگیری هر گونه ابتکار و خلاقیتی می توان به استقبال روز جهانی کارگر رفت. فراخوان فعالین و تشکلهای کارگری

کارگر کمونیست: شهرهای کردستان بویژه سنندج همواره یک کانون داغ برگزاری روز جهانی کارگر بوده است، امسال در تدارک این روز تاکید شما چیست؟

عبدال گلپریان: برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان بویژه در سنندج سنت جا افتاده ای است که از اوایل دهه شصت خورشیدی با شرکت و حضور کارگران و مردم برای گرامیداشت این روز در خیابان و در سالن ها، هر سال برگزار می شود. فضای چپ اجتماعی، اعتراضی و سیاسی شهرهای کردستان درعطف توجه به روز جهانی کارگر هموار کننده ابراز وجود قوی تر فعالین کارگری و بخشهای مختلف مردم مزدبگیر در کردستان بوده است.

با توجه به فضای اعتراض اجتماعی در سراسر کشور و در شهرهای کردستان در سال ۱۴۰۰، برگزاری روز جهانی کارگر امسال می تواند در قامت متفاوت تری از سالهای گذشته برگزار شود. از این رو می توان بر این نکات تاکید بیشتری گذاشت:

از هم اکنون میتوان و باید گفتمان برگزاری روز جهانی کارگر که روز مهم اعتراض در تمام محیط های کار است را در همه جا به راه انداخت. با شعار نویسی

برای شرکت هرچه وسیع و گسترده تر مزدبگیران، معلمان، بازنشستگان، کارگران شهرداری ها، پرستاران، بیکاران، کولبران و توده مردم برای شرکت در برگزاری یک اول مه قدرتمند در کردستان اهمیت بسزایی دارد. فعالین جنبش کارگری در کردستان برای ایفای نقش پیشرو و پیشتاز خود در روز جهانی کارگر تجارب و دستاوردهای ارزنده ای دارند و باید همه آن تجربیات را بکار گرفت و اول مه را به

۱۵ فروردین: تجمع اعتراضی کشاورزان شرق و غرب اصفهان

کشاورزان خواستار محاکمه استاندار، دادستان و خشک کنندگان زاینده رود شدند

با کشاورزان و مردم معترض اصفهان منجر شد. در برابر این خیزش مردمی جمهوری اسلامی با سرکوب و دادن وعده و وعید، تلاش کرد اعتراضات مردمی را عقب براند. اما کشاورزان و مردم معترض اصفهان فعالانه پیگیر خواستههایشان هستند و در اعتراض به خلف وعده ها امروز دادخواهند. از خواستهها و مبارزات کشاورزان اصفهان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ فروردین ۱۴۰۱، ۴ آپریل ۲۰۲۲

صدها هزار کشاورز در آبانماه گذشته همراه خانواده ها و بخشهای دیگر مردم در بستر زاینده رود در اصفهان در اعتراض به خشک شدن این رود و نابودی کشت و زندگی و معیشت خود و تاثیرات مخرب زیست محیطی آن دست به اعتراض زدند. تحصن یکماهه آنها در سال گذشته یک نقطه درخشان از اعتراضات مردمی در اصفهان علیه کل حکومت بود که تمام شهر را به حرکت در آورد و به اعتراضات مشابهی در دیگر استانها و در همبستگی

خیابان منوچهری تجمع داشتند. کشاورزان میگویند که مافیای آب و دستگاه امنیتی پشت پرده حامی آنها و بساط دزد بازار پشت پرده زندگی و کشت آنها را به نابودی کشانده است. به گفته آنها در حالیکه آب را به زاینده رود جاری کرده اند، اما حقایق ای که به کشاورزان داده میشود ناکافی است و کشت آنها آسیب جدی دیده هاست. خواست فوری آنها به رسمیت شناخته شدن فوری حقایق و رفع مشکلات معیشتی شان است.

روز پانزده فروردین کشاورزان اصفهان در شرق و غرب اصفهان در ادامه اعتراضاتشان به بساط چپاولگری مافیای آب و تداوم مشکلات معیشتی شان، مقابل ساختمان دادگستری تجمع کردند. در این تجمع کشاورزان بر محاکمه مسئولین خشکاندن زاینده رود که به زندگی و معیشت آنها و کل شهر اصفهان آسیب رسانده، تاکید داشتند. این کشاورزان در همین رابطه در ششم فروردین نیز در مقابل جهاد کشاورزی در

دردارک اول مه، روز جهانی کارگر

یک سوال از نسان نودینیان



کارگر کمونیست: نسان نودینیان شما کتاب اول ماه مه در کردستان را جمع آوری و نوشته اید و در این سالها مسائل مربوط به کارگران و مراسمهای روز جهانی کارگر را دنبال کرده اید. امسال فضای سیاسی شهرهای کردستان را چگونه میبینید و چقدر زمینه برای برگزاری یک اول مه باشکوه هست؟

نسان نودینیان: بلی من مراسم های روز جهانی کارگر در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۴ را در کتاب اول ماه مه در کردستان جمع آوری کرده ام. در مقدمه این کتاب نوشته ام؛ جمع بندی و گردآوری، جنبش اول مه در شهرهای کردستان، بمنظور مروری تاریخی و در دسترس قرار دادن تجارب مراسمهای اول مه، انجام گرفته است. بررسی تاریخ معاصر در کردستان، امروز با بررسی هایی که احزاب ناسیونالیست بنا به منافع طبقاتی و بورژوازی ارائه داده اند ضروری است. و این کار را جنبش کمونیسم کارگری باید در مقاطع مختلف تاریخ معاصر کردستان پیش ببرد. در اختیار قرار دادن ادبیات تاریخی جنبش کارگری بویژه از زبان کارگران و فعالین کمونیست، و به شیوه مستند یا خاطره نویسی بخشی از این امر است. در این جهت من در آن کتاب سعی کرده ام که از زبان رهبران و فعالین جنبش کارگری در کردستان، و در بستر مبارزه طبقاتی جاری در سطح جامعه حرکات اول مه در کردستان را که از دو دهه پیش با انقلاب ۵۷ آغاز شده است، بررسی کنم. کارگران کردستان برای داشتن درک روشن از آرایش سیاسی فی الحال موجود جامعه و پیشینه تقابل کمونیسم کارگری و جریانات بورژوازی، لازم است با تاریخ جنبش طبقاتی خود آگاه باشند.

ما در طول چهار دهه گذشته شاهد به میدان آمدن کارگران و معلمان در کردستان هستیم. برگزاری علنی مراسم های روز جهانی کارگر و روز جهانی

زن یکی از جلوه های به میدان آمدن گفتمان های رادیکال، چپ و کارگری در صحنه اجتماعی کردستان است. حول برپایی مراسمهای روز جهانی زن و روز جهانی کارگر که اساسا خصلتی آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی دارند طی تمام این سالها جنبشی شکل گرفته است و در بستر آن در طول تمام این سالها ده ها رهبر کارگری و فعال اجتماعی جلو آمده و به چهره های شناخته شده ای در میان مردم تبدیل شده اند. این چنین است که روزهایی چون روز جهانی کارگر و یا هشت مارس برای مردم بدرجات زیادی شناخته شده اند. دارای فعالین شناخته شده و سنتهای دیرینه ای هستند و هر سال با در نظر گرفتن شرایط مبارزاتی و سیاسی جامعه برای برگزاری روز کارگر از قبل تدارکاتی انجام میگیرد.

اما اجازه بدهید برای پاسخ دادن به آن بخش از سوالتان که پرسیده بودید چقدر زمینه برگزاری یک اول مه باشکوه در کردستان وجود دارد، ابتدا اشاره ای مختصر به مبارزات و شرایط کار و زندگی کارگران و مردم در کردستان سال گذشته داشته باشم.

سال ۱۴۰۰ سال اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران و معلمان در سطح سراسری بود. در کردستان نیز کارگران، معلمان و بازنشستگان اعتصاب و تجمعات اعتراضی بسیار قدرتمند و با شکوهی را برگزار کردند. برپایی تجمعات اعتراضی معلمان بعنوان بخشی از طبقه کارگر در کردستان افق مبارزه سیاسی و طبقاتی در چند سال گذشته را تقویت کرده است.

در سال گذشته کارگران شهرداری ها علیه پایین بودن حقوق هایشان و تعویق پرداخت دستمزده علیه دولت و پیمانکارها دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زدند.

در سال گذشته بیکاری میلیونی به عنوان یک درد اجتماعی بزرگ در سطح

جامعه، بزرگترین چالش دولت با مردم در کردستان را رقم زد. بیکاری و فقر میلیونی شد و روی آوری به کولبری و دست فروشی علیرغم ناامنی جانی گسترش پیدا کرد. سال گذشته سال اقدامات جنایتکارانه مامورین انتظامی و حکومت اسلامی ایران علیه کولبران بود. از جمله دهها نفر از کولبران مورد حملات نظامی و شلیک مستقیم سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفتند و در جریان آن ده ها نفر کشته و یا مجروح و معلول شدند. در تعرضات حکومتیان به کولبران حتی اموال آنها بعضا گرفته شد و اسبهایشان تیر خوردند. بدین ترتیب صدمات جانی و معیشتی جبران ناپذیری به آنان وارد گردید. بویژه کارگران جوان تحصیلکرده یا نیروی جوانی که وارد بازار کار شده اند، در کردستان نیز مثل همه جای دیگر شانس دستیابی به کار و موقعیت شغلی را پیدا نکرده اند. و همانطور که اشاره کردم آنها دسته دسته و از روی ناچاری به کولبری روی آورده اند که در این میان متأسفانه ما شاهد کشته شدن تعداد زیادی از آنان در اثر شلیک مستقیم نیروهای جنایتکار حکومت اسلامی هستیم.

سال گذشته سال بیشتر شدن شکاف طبقاتی بود و کودکان و زنان بخش بزرگی از قربانیان این شکاف طبقاتی هستند. از جمله به میزان اعتیاد و کودکان خیابانی، فحشا و قتلهای ناموسی افزوده شد. همچنین محلات حاشیه نشین بیشتر شدند و کودکان زیادتر از ادامه تحصیل محروم

گردیدند. بدین ترتیب شکاف طبقاتی چهره کریمه و خشن خود را در ابعاد میلیونی بر پیکر جامعه کردستان نشان داد.

با توجه به فاکتورهای بالا امسال کارگران و معلمان با مهمترین چالش و وظایف به شدت اجتماعی- طبقاتی روبرو هستند. ما هم اکنون شاهد این هستیم که اعتراض و ناراضی در اشکال اعتصاب و تجمع و تحصن فضای غالب در جامعه است. اما در حالیکه شکاف طبقاتی زندگی مردم را بافلاکت بیشتری رقم میزند، زمینه های اتحاد و تلاش برای فعالیت متشکل و مشترک برای نجات از شرایط فلاکت بار کنونی و علیه فقر و ناداری هم بیشتر شده است و این همبستگی هر روز گسترده تر میشود. نماد بارز این همبستگی ها را در برگزاری روز جهانی زن، هشت مارس دیدیم. از تجربیات آن باید بیاموزیم با اندوختن تجربیاتش به استقبال روز جهانی کارگر، اول ماه مه برویم.

مراسم های روز جهانی سال ۱۴۰۰ در مراکز شهرها، در سالن های سرپوشیده و محلات برگزار شد. هشت مارس، روز جهانی زن نیز روز شادی و جمع شدن و جشن بود. میشود اول ماه مه امسال را با برپایی تجمعات بزرگ در وسط شهرها جشن گرفت و گرامی داشت. در این راستا توجه فعالین برپایی مراسم های روز کارگر را به مهمترین اقدامات جلب میکنم:

- میتوان جمعهای چند نفره سازماندهی برگزاری اول مه را تشکیل داد. جمعهایی

دردارک اول مه...

از کارگران، زنان، نهادهای زیست محیطی و فعالین عرصه کودکان، معلمان و بازنشستگان

- همانطور که معلمان در شهرهای کردستان از جمله سنندج و مریوان و سقز تجمعات بزرگی داشتند، میتوان به مناسبت روز جهانی کارگر نیز در تمام شهرها جمع شد و تجمعات بزرگ بر پا کرد.

برپایی راهپیمایی مشترک کارگران، بازنشستگان، معلمان و دانش آموزان و والدین آنها و همه مردم امری ممکن و عملی است. دانشجویان میتوانند نقش مهمی در شکل دادن به مراسم روز جهانی کارگر و مارش اول مه داشته باشند.

- میتوان با موزیک و رقص و شادی و با پخش شیرینی و شکلات به محل جشن اول مه تبدیل کرد. و در جایی مثل سنندج بعد از جمع شدن در شهر به رسم همیشگی به آیدر رفت و آتش روشن کرد و شادی کرد.

- میتوان بصورت خانوادگی تدارک جشن و تجمعات اول مه را دید.

از صفحه ۵

بعلاوه پیامهای صوتی یا تصویری تبریک روز کارگر در میدیای اجتماعی را فراموش نکنیم.

کارگران شهرداری بعنوان یک بخش معترض کاری نمیتواند نقش مهمی در

گذشته اعتصاب و تحصن های سراسری را تجربه کرده اند. روز کارگر (اول ماه مه) فرصت مناسبی است.

برای تجمع و راهپیمایی در بزرگداشت و برپایی جشن روز کارگر. فضای جامعه اکتیو است. مردم ناراضی و متنفر از حکومت اسلامی با برپایی تجمع و اعتراض جمعی احساس قدرت میکنند. علاقمند هستند

مهمترین فعالیت برای تدارک و برپایی مراسم های روز جهانی کارگر در کردستان، همانطور که اشاره کردم فعالیت مشترک کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و مردم ناراضی و برپایی تجمع و راهپیمایی و برگزاری جشن و شادی و اعلام خواستها و مطالباتشان است. اول مه فرصت مهمی برای یکسری مهمترین مطالباتی هستند که طول یکسال گذشته در محور اعتصاب و اعتراض کارگران و معلمان قرار داشته است.

کارگر فرصت مناسبی است برای این آزمونهای مهم اعتراضی و مبارزاتی.

به نظر من گرهی ترین اقدام و مهمترین فعالیت برای تدارک و برپایی مراسم های روز جهانی کارگر در کردستان، همانطور که اشاره کردم فعالیت مشترک کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و مردم ناراضی و برپایی تجمع و راهپیمایی و برگزاری جشن و شادی و اعلام خواستها و مطالباتشان است. اول مه فرصت مهمی برای پیگیری مهمترین مطالباتی هستند که در طول یکسال گذشته در محور اعتصاب و اعتراض کارگران و معلمان قرار داشته است.

فراخوان من مردم کردستان اینست که به مناسبت روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف گسترده و سراسری دست در دست هم دهند و این روز مهم را به روز اتحاد و همبستگی و قدرتمندی خود تبدیل کنند و بدینگونه عزم خود را برای پیگیری مبارزاتشان به نمایش بگذارند. دست به راهپیمایی بزنند و با شعارهای کوبنده شان تنفر و انزجار شان را به حکومت اسلامی و نظام ظالمانه و بردگی مزدی اعلام کنند. زنده باد روز جهانی کارگران.

به مناسبتهای مختلف قدرت اعتراض خود را در خیابان تجربه کنند و آمادگی برای دگرگونی این دنیای وارون سرمایه داری و ضد انسانی را نشان دهند. روز

برگزاری روز جهانی کارگر داشته باشند و این روز را به روز اعتراض خود تبدیل کنند.

کارگران و معلمان همواره در یکسال

احضار ۴ فعال ندای زنان ایران به زندان

در آغاز سال ۱۴۰۱ و در آستانه اول مه، روز جهانی کارگر ۴ فعال ندای زنان اسرین درکاله، اکرم نصیریان، مریم محمدی و ناهید شقاقی جهت اجرائی شدن حکم زندان خود برای روز ۱۴ فروردین احضار شده اند. فعالین ندای زن، فعالین جشن نوین زن هستند. جنبشی که ارتباطی تنگاتنگ با جنبش کارگری و همه جنبش های اجتماعی در سطح جامعه قرار دارد. تیلور آن را امسال در گرامیداشت هشت مارس، روز جهانی زن بیش از هر وقت مشاهده کردیم. و بازتاب آنرا در گفتگوهایی که از سوی این نهاد با اکتیویست های جنبش های اجتماعی مختلف چون معلمان، کارگران، مدافعین حقوق کودک و حقوق زن، فعالین معترض به تخریب محیط زیست



در آغاز سال ۱۴۰۱ و در آستانه روز معلم و اول ماه مه روز جهانی کارگر در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ ابلاغیه ای در سامانه ثنا وثیقه گذاران مان در پرونده فعالین #ندای زنان ایران قرار گرفته است مبنی بر مهلت ۳۰ روزه جهت معرفی به اجرای احکام جهت اجرائی حکم به جرم مخالفت با قوانین ضد زن حاکم و دفاع از حقوق انسانیمان

شهلا دانشفر
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ فروردین ۱۴۰۱، ۴ آپریل ۲۰۲۲



اول مه؛ فراخوان کل جامعه به زیر پرچم کارگران

یاشار سهندی

سال شروع نشده روز ۶ فروردین کشاورزان در اصفهان به خیابان آمدند. روز ۹ فروردین در تقابل با ممانعت کردن از ورود زنان به استادیوم ورزشی، فریاد "ما اعتراض داریم" در مشهد با اسپری فلفل جواب گرفت و سرکوب زنان به شدت موجبات اعتراضات وسیع علیه حکومت اسلامی سرمایه گردید. در تعطیلات نوروز جشن و شادمانی و رقص در شهرهای کردستان شروع و دامنه اش به ایلام و خوزستان و خراسان کشیده شد و بدینگونه مردم حکومت ضد شادی و بساط آپارتاید جنسی اش را به چالش کشیدند. بعد هم شاهد به آتش کشیدن سریالی "تندیس" آیت الله ها این نمادهای تحجر و سرکوبگری و تحمیق در قم بودیم. این اتفاقات دیگر چیزی نیستند که با اطلاق الفاظی چون "مبارزه مدنی" یا "مبارزه دمکراتیک" بشود کمرنگش کرد. بلکه اینها بخشی از مبارزه بر علیه حکومت اسلامی سرمایه است که بورژوازی سر کل جامعه آوار کرده است. این اتفاقات بیش از هر کسی به کارگران و جنبش سوسیالیستی کارگران مربوط است. چرا که مبارزه علیه سلطه بورژوازی بر کلیه شئون جامعه وظیفه اول و آخر طبقه کارگر است و پایان دادن به این سلطه و برای تحقق این امر همبستگی کل جامعه زیر پرچم کارگران لازم است.

بخشهای مختلف طبقه حاکم (چه در اپوزیسیون چه در پوزیسیون) همگی بی هیچ شک و شبهه ای می دانند برای تضمین انقیاد کل جامعه باید طبقه کارگر را خاموش سازند. رژیم اسلامی سرمایه هر چه را توانسته به ضرب شکنجه و زندان و اعدام از کارگران گرفته و فلاکت بی سابقه ای را بر کارگران تحمیل کرده است اما توانسته روز اول مه را از کارگر بگیرد. از جمله در اوج کشتار و قدر قدرتی اش مجبور شده به صورت نیم بند در گوشه ای از قانون کار کذایی خود از روز جهانی کارگر نامه ببرد و این روز را فقط برای کارگران به رسمیت بشناسد. بدون اینکه مشخصا نامی از اول مه ببرد. بعد هم خود

را مجبور دیده است هر سال فکری بکند که این روز را "بدون تبعات خاصی برای نظام" از سر بگذرانند. امام مرحوم شان اگر اقتصاد را زیر بنای الاغ می خواند اما این قدر عقل داشت که معترف شود اگر "انفجاری میان کارگران واقع شود" هیچ اثری از ایشان باقی نمی ماند.

اول مه بر خلاف آنچه جا افتاده در دیدگاه دشمنان طبقاتی کارگران نیز به عنوان یک روزی که بهر حال "مطالبات صنفی" مطرح میشود نیست. چرا که اگر تنها محدود به مطالبه صنفی بود باندهای سپاه اسلامی حاکم خود را مجبور نمی دیدند مراسمی بگیرند و یا پیام تبریکی بفرستند. در پروسه مبارزاتی چهار دهه گذشته روز بروز با وجود اینکه ظاهرا مبارزات طبقه کارگر "حالت تدافعی" داشته (تصویری که بخشی از چپ چون خود را ناتوان معرفی می یابد از طبقه کارگر ارائه میدهد) اما به واقع این "مبارزه تدافعی"، هجومی بوده بر علیه منافع طبقه حاکم که کل جامعه را به سوی مصیبت و بدبختی روز افزون هدایت کرده است. و اول مه در این پروسه جای خود را داشته و هر سال مراسمات برگزار شده از سوی کارگران انقیاد طبقاتی سرمایه را به زیر سوال برده است.

روز کارگر، روز کل جامعه است. این را بیش از هر کسی خود بورژوازی باور دارد که بهر شکل ممکن یا این روز را به رسمیت نمی شناسد و یا اینکه سعی دارد دامنه این روز را محدود سازد و هر جا لازم شده از بازداشت و زندانی کردن کارگران تا ریختن خون آنان بر سنگفرش خیابان ابایی نداشته است. مانع تراشیدن بر سر گرامی داشت اول ماه مه از منفعت طبقاتی طبقه حاکم نشات میگیرد؛ چون می داند این به واقع مهمترین واقعه ای که عملا به جامعه ثابت می کند که "تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ کشمکش طبقاتی است" و جامعه معاصر نیز بری این حکم نیست و این روز نماد این کشمکش طبقاتی است که بروز علنی و خیابانی می یابد. طبقه حاکم هم (هر چند به زبان نمی

آورد) می داند رهایی طبقه کارگر بدون رهایی کل جامعه ممکن نیست. کارشناسانی که نان خود را از قیل تحمیل ستم و استثمار طبقاتی تامین شده می یابند، کاملا آگاهانه برای سرپوش گذاشتن به این واقعیت تا توانسته اند و می توانند تحولات بنیادی جامعه را به طبقه موهوم متوسط گره می نند و از طبقه کارگر تصویر موجودی مفلوک ارائه میدهند. گاه جسارت را به حدی رسانده اند که مدعی شده اند که کارگران با یک کیسه برنج هم راضی میشوند! و همین کارشناسان در تمام نسخه هایی که برای "بهبود فضای کسب و کار برای کارآفرینان محترم" می پیچند هدف شان دریغ کردن همان کیسه برنج است و به سوی فقر بیشتر راندن کارگران است. این نه صرفاً از سر بدبختی ایشان، بلکه نیاز سرمایه برای سود بیشتر است که سطح معیشت کارگران را تا آنجا که ممکن است تنزل دهند و برای اینکار باید طبقه کارگر از نظر سیاسی سرکوب شود و برای سرکوب کارگر کل جامعه به انقیاد حکومت دربیاید.

شادی و رفاه، خواسته ای عمیقاً سوسیالیستی است. جامعه سوسیالیستی قرار نیست غیر از این هم باشد. باید به بدل و بخشش، بخشی از چپ که این خواسته ها را دموکراتیک می شمارند خاتمه داد. اینها سوای اینکه یک تاریخ واقعی (تاریخ انقلاب روسیه) را تحریف می کنند، طبقه کارگر را یک طبقه بیگانه به جامعه معرفی می کنند که در چهار چوب کارخانه بر علیه استثمار مبارزه می کند. در مبارزات دو دهه اخیر، در ادامه مبارزات تمام سالها بیشتر از آن، آنچه کل جامعه دنبال آن بوده داشتن منزلت انسانی در کنار معیشتی است که از هر گونه دغدغه فراهم بودن یا نبودن آن خلاصی داشته باشد که این دومی اگر برقرار نباشد اولی یعنی منزلت انسانی تامین نمیشود و

این تنها از سوسیالیسم یعنی جنبش طبقه کارگر ساخته است. بنابر این اول مه بعنوان نماد طبقه ای که می تواند این امر را ممکن سازد باید شناخته شود تا کل جامعه این روز را مربوط به خودش بداند. اول مه روز جدا کردن طبقه کارگر از جامعه نیست و هندوانه زیر بغل گذاشتن آن نیست. بلکه فراخواندن کل جامعه به زیر پرچم جنبش طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم است. جنگ آلترناتیوها اگر میخواهد معنی واقعی بیابد، اینست که باید همه انسانهایی که اعتراضی دارند و در پی احقاق حق انسانی هستند تحقق خواسته خود را زیر پرچم کارگر طبقه کارگر ممکن ببینند. بدین گونه جنگ آلترناتیوها به نفع طبقه کارگر رقم خواهد خورد.

اگر بقول شهلا دانشفر: "اول مه روز جهانی کارگر اساساً روز کیفرخواست علیه سرمایه داری و تمام مصائب آنست. به این اعتبار روز همه مردم و اعتراض سراسری در کل جامعه است. ... روز اعتراض همه انسانهایی است که در این جامعه زندگی میکنند و اعتراضی دارند و خواستار پایان دادن به جهنم حاکم هستند، ..." به این اعتبار باید نشان داده شود که به اهتزاز در آمدن پرچم طبقه کارگر در روز اول مه آدرسی است به کل جامعه که خواسته هایشان برای یک زندگی بهتر در همبستگی کل جامعه در زیر این پرچم ممکن است.

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande



محورهای مورد تاکید برای برگزاری یک اول مه با شکوه

۱- اول مه را به سرآغاز شکل گرفتن اعتراضات متحد بخش های مختلف کارگری و کل جامعه حول خواستها و اعتراضات سراسری تبدیل کنیم. فراخوان مشترک بخش های مختلف کارگری و دیگر بخش های معترض در سطح جامعه با قطعنامه ها و بیانیه های مشترک در گرامیداشت روز جهانی کارگر گامی در این جهت است. اول مه میتواند به یک روز قدرت نمایی سراسری علیه بختک جمهوری اسلامی در این آغاز سال تبدیل شود.

۲- تحرک مبارزاتی در محیط های کارگری و مشخصا مراکز نفتی و مجتمع های بزرگ، اعتراضات معلمان، تجمعات سریالی بازنشستگان، از جمله اوتیماتوم های بخش های مختلف کارگری چون کارگران پیمانی نفت، معلمان، بازنشستگان، و بخش هایی چون کارگران راه آهن و در کنار همه اینها جنبش افزایش دستمزدها در کنار جنبش قدرتمند دادخواهی، جنبش نوین زن، جنبش دفاع از حقوق کودکان، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش علیه اعدام، جنبش علیه تخریب محیط زیست، همه و همه میتوانند بستر اصلی شکل دادن به یک اول مه قدرتمند و سراسری باشند و زمینه برای چنین اتفاق شورانگیزی کاملاً مهیا است.

۳- اول مه را با برپایی تجمعات و مراسم ویژه روز جهانی کارگر به روز تعطیلی عمومی تبدیل کنیم. با توجه به تجربه تجمعات بزرگ و سراسری معلمان در سطح سراسری، تجربه یکشنبه های اعتراض و اعتراضات هر روزه کارگری در شهرهای مختلف با جمع شدن همه این نیروها میتوان به تدارک برگزاری تجمعات سراسری روز جهانی کارگر رفت و هر چه با شکوه تر این روز را گرامیداشت. در هر کجا و هر بخشی از کارگران میتوانند به سهم خود برای برگزاری مراسم اول مه تدارک ببینند و بدینگونه نقشی در سراسری شدن این روز جهانی داشته باشند.

۴- از هم اکنون باید گفتمان برگزاری اول ماه را بعنوان یک روز مهم اعتراض در تمام محیط های کاری از جمله در تمام

دانشجویان و بخش های دیگر در آن شرکت وسیع داشته باشند. ۱۰- قطعنامه ها و بیانیه های مشترک کارگری نمایشگر صف متحد مبارزاتی بخش های مختلف کارگری و مردم معترض در سطح جامعه و شکلی از قدرتمندی کارگری در اول ماه است. باید تلاش کرد که بخش های مختلف طبقه کارگر از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و نیز بخش های مختلف جامعه از جمله دانشجویان، نهادهای مختلف دفاع از حقوق زن، حقوق کودک، محیط زیستی و فعالین اجتماعی را به حمایت از قطعنامه های ویژه اول ماه مه جلب کنند. ترجمه انگلیسی قطعنامه ها را به اتحادیه های کارگری فرستاد و خواستار حمایت شد.

۱۱- گروههای مختلف مبارزاتی معلمان، بازنشستگان و تشکلهای کارگری و نیز دانشجویی و فعالین جنبش رهای زن در مدیای اجتماعی در روز اول مه باید رنگ این روز را بگیرد و در آنها قطعنامه ها، بیانیه ها و پیام های روز جهانی کارگر و اخبار برگزاری این روز از جاهای مختلف به نمایش درآید.

۱۲- تهیه پوستره های ویژه اول ماه مه، نوشتن خواستها بر روی پوستره های مختلف با هشتگ زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگری و ارسال زنجیره ای آن به ارتباطات اجتماعی خود یک شکلی از فراگیر کردن گرامیداشت روز جهانی کارگر است. از همه فعالیت ها فیلم و عکس تهیه کنید و برای ما بفرستید

۱۳- ارائه نمایشگاهی از عکس های مبارزات کارگری بصورت آن لاینی، یک ابتکار جالب برای گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر است. از جمله بازنشستگان، معلمان، کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران نفت میتوانند بصورتی کلیپی تصویری صحنه های درخشان مبارزات خود را به مناسبت روز جهانی کارگر در مدیای اجتماعی ارائه دهند.

۱۴- پخش شیرینی و شکلات به مناسبت روز جهانی کارگر و جشن گرفتن آن در تمام محلات و در پارک ها و برفراشتن بنر گرامیداشت این روز در همه جای شکل

توده ای و اجتماعی برگزاری روز جهانی کارگر است. همچنین میتوان اول مه را در مترو ها و اماکن عمومی مختلف جشن گرفت و با پخش شیرینی این روز را به همه شادباش گفت و صحبتی کوتاه در مورد این روز اعتراض جهانی داشت.

۱۵- دانشجویان یک نیروی مهم برگزاری روز جهانی کارگری هستند و از هم اکنون تدارکش را ببینند و در همراهی با بخش های مختلف کارگری و کل جامعه نقش آفرین باشند.

۱۶- برگزاری کنفرانس هایی در تدارک روز جهانی کارگر و برنامه ویژه روز جهانی کارگر در کلاب هاس ها و در گروه های مدیای اجتماعی. فراخواندن بخش های مختلف جامعه به این کنفرانس ها به عنوان ظرفی برای متحد شدن و هم سخن بودن ابزار دیگری برای اجتماعی برگزار کردن روز جهانی کارگر است.

۱۷- پیام های کوتاه از سوی کارگران، فعالین و رهبرانی کارگری و نیز از سوی بخش های مختلف جامعه و پخش آن در سطح مدیای اجتماعی یک گام مهم در برگزاری یک اول مه توده ای و اجتماعی است.

۱۸- گذاشتن برنامه های اجرای موزیک و تئاتر در کنار خیابان یک شکل زیبای برگزاری روز جهانی کارگر میتواند باشد. برجسته کردن موضوع کارگران زندانی و

۱۹- با نوشتن شعار فضای محلات و شهرها را باید به رنگ اعتراضی روز جهانی اول ماه مه در آوریم - به راه انداختن طوفانهای تویتری و پمپاژ شعارهای اعتراضی و خواستها به مناسبت این روز. تدارک هشتک های ویژه اول مه و تهیه پست های مناسب برای این هشتک ها و پمپاژ در مدیای اجتماعی یک شکل موثر گفتمان سازی حول روز جهانی کارگر است. (شهلا دانشفر)

از خوزستان خبر می‌رسد؟

۱۲ فروردین ۱۴۰۱



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انفجار در منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر

در آخرین ساعات شامگاه پنجشنبه یازدهم فروردین، بر اثر وقوع انفجار در یکی از سایت‌های منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر (معشور)، آتش‌سوزی ای در بخش تاسیسات « شرکت پتروپالایش کاوشگران» رخ داده است. به گفته منابع محلی ابتدا صدای انفجاری مهیب به گوش رسید و متعاقب آن دود سیاه و غلیظی فضای منطقه را در بر گرفت.

در اثر این انفجار دو نفر از نیروهای بهره‌برداری این واحد به شدت مصدوم شده‌اند. این شرکت در زمینه‌ی بازیافت P AG و تبدیل آن به محصول مونو اتیلن گلاکول در صنایع پایین‌دستی الفین کار میکند و در سایت یک منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در حال فعالیت است.

یک دلیل آشکار اینگونه انفجارها استاندارد بسیار پایین محیط‌های کار به لحاظ ایمنی است که هر روزه قربانی می‌گیرد. از جمله انفجار و آتش‌سوزی در مراکز نفتی و وابسته به آن بسیار معمول است و تا کنون قربانیان بسیاری گرفته است. یک خواست کارگران نفت ایمنی

فوری محیط‌های کار است. بازداشت یک فعال اجتماعی توسط اداره اطلاعات

روز پنجم فروردین ماه "فرج الله الهایی" فعال اجتماعی و ساکن منطقه الهایی در شمال شهر اهواز توسط اداره اطلاعات اهواز بازداشت شده است. به گفته خانواده فرج الله ماموران اداره اطلاعات بعد از بازرسی منزل و ضرب و شتم او، وسائل شخصیش را مصادره کردند. الهایی، در مورد فقر و محرومیت، انتقال آب به استان های مرکزی، بیکاری های گسترده، برخورد با معترضین و همچنین پدیده گسترده مواد مخدر در بین جوانان، گزارش هایی تهیه کرده و در شبکه های اجتماعی منتشر مینمود و در آنها از مقامات جمهوری اسلامی بعنوان عامل این وضعیت نام برده است.

او با مراجعه به مناطق مختلف و مصاحبه با بعضی اهالی شرایط ناهنجار مردم را به تصویر می کشید و منتشر می کرد. بازداشت فرج الله الهایی باید با اعتراض گسترده به سرکوبگری های حکومت پاسخ بگیرد. فرج الله الهایی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

تیراندازی نیروی انتظامی به صاحب

دکه اغذیه فروشی در خرمشهر

روز ۱۲ فروردین ۱۴۰۱، بر اثر تیراندازی ماموران نیروی انتظامی یک شهروند در خرمشهر به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل شد. هویت این شهروند " حسین عساکره " معرفی شده که دکه کوچک اغذیه فروشی در منطقه کوت شیخ داشته است. در کلبه‌ی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده است، به زبان عربی گفته شده که ماموران نیروی انتظامی قصد داشتند بدون پرداخت پول از وی اغذیه بگیرند و بعد از اینکه حسین به خواسته آنها تن نداد، مامورین به او گفتند موتورسیکلت شما مشکل دارد و باید آن را ببریم. این اقدام مامورین نیروی انتظامی با مقاومت حسین روبرو شده و سپس در هنگام درگیری یکی از ماموران به طرف او شلیک می کند. بنا بر گزارشات حال حسین عساکره در بیمارستان از شدت خونریزی وخیم است. بعضی از اهالی منطقه هم گفته اند؛ به دلیل شدت خونریزی احتمالاً در بیمارستان جان خود را از دست داده است. خواست فوری مردم محاکمه این جنایتکاران است.

تعیین زمان و شعبه دادگاه رسیدگی به اتهامات علی کجباف

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات علی کجباف شهروند ساکن اهواز در تاریخ ۱۵ فروردین ماه در شعبه ۳ دادگاه انقلاب این شهر برگزار خواهد شد. علی کجباف با دریافت ابلاغیه ای به دادگاه انقلاب این شهر احضار شده است.

در این ابلاغیه از وی خواسته شده که جهت رسیدگی به اتهامات "اجتماع و

تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام و خروج غیر قانونی از کشور" ساعت ۳:۰۹ صبح روز ۱۵ فروردین ماه در شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز حاضر شود.

این شهروند در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۴۰۰ هنگام خروج از کشور توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و به بازداشتگاه این نهاد امنیتی منتقل شد. یک منبع مطلع با اشاره به اینکه علی کجباف در دوران بازداشت به مدت ۱۱ روز در شهرستان ارومیه در سلول انفرادی محبوس بود، گفت: "ماموران علی کجباف را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند به طوری که دندان و قفسه سینه وی شکست."

علی کجباف با پایان مراحل بازجویی به زندان شبان اهواز منتقل شده و در نهایت در تاریخ ۱۰ آبان ۱۴۰۰ با تودیع قرار وثیقه و تا پایان مراحل دادرسی آزاد شد. ، اعتراض به سرکوبگری های حکومت و دستگیری ها و پرونده سازی های امنیتی است یک کارزار اعتراضی وسیع در سطح جامعه است. معلمان، کارگران، بانزانشگان و بخش های مختلف معترض جامعه نیروی این کارزارها هستند. باید وسیعاً به آنها پیوست. باید به پرونده سازی های امنیتی فوراً خاتمه داده شود. پرونده های گشوده شده امنیتی مسدود گردند و تمامی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

۱۳ فروردین ۱۴۰۱، ۲ آپریل ۲۰۲۲



و شرط معلمان زندانی تاکید میکند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی،

۱۳ فروردین ۱۴۰۱

Shahla.daneshfar2@gmail.com

آخرین خبرها حاکمیت که رسول بدافی و حمید قندی زیر فشار اعتراضات معلمان آزاد شدند. فردا شانزدهم دادگاه ژاله رحزاد است. زنده باد معلمان

فراخوان به تجمع در مقابل دادگاه در اعتراض به دادگاهی شدن سه معلم

احضار شده و ابراز پشتیبانی از آنها به هر شکل ممکن یک اقدام بسیار مفید و موثر است که باید آنرا گسترش داد. جمهوری اسلامی تلاش میکند مانع این همراهی شود اما وقتی که ابعاد وسیعتری بخود بگیرد کاری از دستش بر نمی آید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی قاطعانه از مبارزات معلمان علیه احضارها و امنیتی کردن مبارزات حمایت و پشتیبانی کرده و بر پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی، توقف احضارها و دادگاهی کردنها و آزادی فوری و بدون قید

دادگاه انقلاب اسلامی داده اند و حمایت خود را از رسول بدافی، حمید قندی و ژاله رحزاد اعلام نموده اند. در این فراخوان با اشاره به تجمعاتی که قبلاً معلمان در اعتراض به محاکمه همکاران خود در برابر دادگاهها در اسفند ۱۴۰۰ در شهرهای اهواز - قزوین - شیراز - مریوان و رودسر بر پا کردند، خواسته شده است که همکارانشان ساعت هشت صبح مقابل دادگاه انقلاب واقع در خیابان شریعتی در تهران تجمع کنند.

همراه شدن با معلمان و فعالین

همانطور که قبلاً گزارش کردیم ژاله رحزاد معلم بانزشته رسول بدافی و حمید قندی از اعضای کانون صنفی معلمان اسلامشهر برای روزهای پانزدهم و شانزدهم فروردین از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به دادگاه احضار شده اند. این احضارها با موجی از اعتراض در میان معلمان روبرو شده است. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) طی بیانیه ای خواستار برگزاری علنی دادگاه همکاران خود شده است. معلمان در اعتراض به این احضارها فراخوان به تجمع در مقابل



بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از حق تحصیل دختران افغانستان و محکومیت حمله به دختران و زنان در مشهد

هجمه علیه زنان سکوت نکند. متأسفانه همانگونه که جامعه ی جهانی در برابر طالبان در افغانستان ماماشات می‌کند تا آنان زنان را قربانی کنند. فیفا نیز خواسته زنان ایران را قربانی منافع خود می‌کند. پس همانگونه که مردم افغانستان برای تغییر باید متکی به خود باشند مردم ایران نیز شایسته است، با اتحاد و قدرت جمعی قوانین ضد زن را پس بزند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از حق تحصیل برای تمام کودکان جهان از جمله حق تحصیل دختران در افغانستان، خواهان واکنش موثر نهادهای بین‌المللی به ویژه یونسکو و آموزش بین‌المللی است. همچنین تعرض به زنان ایران در مشهد را به شدت محکوم می‌کند و با هرگونه سیاست ضد زن در هر جای جهان بویژه در افغانستان و ایران مخالف است و از نهادهای مردمی می‌خواهد، برای دفاع از حقوق زنان متحد شوند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران
۱۳ فروردین ۱۴۰۱
برگرفته از مدیای اجتماعی

کردند. قوانینی که تمام جناح‌های درون حاکمیت از اصلاح‌طلب تا اصولگرا و اعتدالی در تصویب و اجرای آن نقش داشتند. کسانی که امروز فاجعه ی مشهد را به شرایط حاکم در خراسان رضوی تقلیل دهند، یا از شرایط تاریخی بی‌اطلاع هستند یا می‌خواهند جامعه نقش آنان در سرکوب زنان را فراموش کند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران همانگونه که با کودک‌همسری مخالف است و خواهان برخورداری دختران در مناطق محروم از حمایت‌های آموزشی و اجتماعی است. همانگونه که با اختناق در مدارس دخترانه مخالف است و خواهان حق انتخاب پوشش برای زنان است. همانگونه که با نابرابری دستمزد بین زن و مرد مخالف است و خواهان حق اشتغال برای زنان است.

از حضور در اجتماع و آزادی‌های اجتماعی زنان حمایت می‌کند. جلوگیری از حضور زنان در استادیوم برای تماشای بازی، از اخلاق ورزشکاری به بوده و رفتاری غیر قانونی و غیر انسانی است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران
۱۳ فروردین ۱۴۰۱
برگرفته از مدیای اجتماعی

همانگونه که در طی سال گذشته ما شاهد حمایت‌های گسترده جهانی از مطالبات معلمان ایران بودیم اینک وظیفه خود می‌دانیم نسبت به وضعیت آموزشی در افغانستان و تهدیدات علیه معلمان سکوت نکنیم و با جامعه ی فرهنگی افغانستان به ویژه معلمان آن کشور اعلام همبستگی نماییم.

آنگونه که همه می‌دانیم سرکوب زنان و دختران محدود به افغانستان نیست و این یک معضل جهانی است و در دنیای امروز زنان حقوق برابر با مردان ندارند و به شیوه های گوناگون، این نابرابری بازتولید می‌شود. در ایران نیز طی چهار دهه ی گذشته زنان به پیوسته و گسترده سرکوب شده‌اند.

در آخرین اقدام ضد زن، به شیوه ی طالبان، دیدیم در مشهد زنانی که قصد ورود به ورزشگاه داشتند با حمله وحشیانه ی ماموران و اسپری فلکل روبرو شدند. بی گمان این شیوه ی سرکوب در ادامه اسیدپاشی به چهره ی زنان قابل تحلیل است و باید ریشه‌های آن را در روزگاری جست که عده‌ای با شعار «یا روسری یا توسری» زمینه‌های قوانین ضد زن را فراهم

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ... ادامه از صفحه ۱۲

مدارس در گذشته پیامدهای هولناکی برای دانش آموزان و معلمان بدنبال داشت.

این بار نیز با توجه به شرایط مدارس ایران و کمبود امکانات بهداشتی، به نظر می‌آید، تکرار چنین پیامدهایی دور از ذهن نیست.

لذا لازم است که هر گونه تصمیم‌گیری در مورد بازگشایی کامل مدارس کاملاً کارشناسانه و بر مبنای نظرات متخصصان، پزشکان و صاحب نظران مستقل انجام شود.

بی شک هرگونه مسئولیت عواقب چنین تصمیم‌گیری‌هایی با شخص وزیر آموزش و پرورش کشور می‌باشد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)
۱۲ فروردین ۱۴۰۱

ماها می‌گذرد که طالبان با فرش قرمز قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای با خشونت بر سر کار آمدند.

بی گمان محروم کردن دختران افغانستانی از حق تحصیل تنها یکی از هزاران ستمی است، که به دنبال چشم پوشی جهانیان به روی جنایات و ارتجاع طالبان رخ داد.

اگر چه حق تحصیل بنابر میثاق نامه‌های جهانی از جمله کنوانسیون حقوق کودکان، یک حق طبیعی و جهان‌شمول است، اما محروم کردن دختران از تحصیل ریشه در رویکرد و تصمیمات زن‌ستیزانه ی طالبان و رهبری امارت اسلامی دارد.

محروم کردن دختران از ادامه تحصیل بعد از پایه ی ششم یک عمل ضدانسانی است که یکی از پیامدهای آن بیکار شدن تعداد زیادی از معلمان بویژه معلمان زن خواهد شد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن دفاع از حق تحصیل دختران در افغانستان هر نوع ممنوعیت و محدودیت کاری معلمان به ویژه زنان معلم را محکوم می‌کند.

و مرج گسترده در وضعیت عبور و مرور شهرهای بزرگ خواهیم بود.

۴. در بیش از دو سال گذشته وزارت آموزش و پرورش عملاً هیچ گونه مسئولیتی در قبال تامین وسایل آموزشی برای معلمان در شرایط آموزش مجازی بر عهده نگرفته و معلمان با استفاده از وسایل شخصی هزینه آموزش مجازی را از جیب خود پرداخت کرده‌اند.

علاوه بر آن نزدیک به سه میلیون دانش آموز بدلیل عدم برخورداری از امکانات اولیه آموزشی و عدم دسترسی به اینترنت، از چرخه آموزش کشور خارج شده‌اند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) لازم می‌داند بار دیگر به فرادستان آموزشی در کشور هشدار دهد که تصمیمات غیر کارشناسی در بازگشایی

ماهواره پاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره بوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



جنبشهای مطالباتی معلمان، کارگران و بازنشستگان راهکاری جز عمل متحدانه ندارند!

ایران اگر تنها جایی نباشد قطعاً نادر سرزمینی ست که جنبش کارگری، معلمان، بازنشستگان و سایر جنبشهای اجتماعی برای مینیمم مطالبات و حتی بعضی "قانونی" که با تاریخ جدال های گذشته شان رسمیت اش داده اند را هم مدام باید بجنگند تا بگیرند.

معلم در اینجا "کولبری" هم میکند و بسیار دست فروشان معلم اند و بازنشستگانش به جبران به دنبال کارند و کارگران گله ای اخراج میشوند و گُرور کرور بیکارند.

همین چند روز پیش معلم و کارگری به شرمنده گی از سفره نان خانوار و کودکان شان خود را به آتش فقر سوزاندند و این حکومت و دولت و سهم بران این وضعیت حتی نگاه هم نکردند، در حقیقت میگویند: "خود بسوزانید اما آتش به خرمن منافع و موقیعت ما نزنید!"

چند دهه فریب وعده های پوچ "انشاله لایحه رتبه بندی، همسان سازی و... در دست بررسی ست"، را باید خورد و باز برایش جنگید و زندانی داد؟ چند کارگر و معلم و بازنشسته در جدال و

انتظار مُردند و در فقرشان رفتند؟ اگر دولت های قبلی وعده الکی میدادند و با ساختارهای بگیر و ببند هماهنگ میشدند، این دولت از اول خودش سر راست اینکاره است و اساسن سازمانش داده اند و جلو فرستاده اند تا بگویند: که "برای معلمان و کارگران و بازنشستگان و... پول نداریم، نمیشود، باید بسازند و تحمل کنند!"

هر دولتی آمد "سهمش را عین کیک" از صندوق ها و منابع بازنشستگی بردند و خرج اموراتشان کردند.

صف مقابل نیروی کارمزدی برای حفظ موقیعت و سودشان و کاستن از تبعات بحران هائی که خود ساخته اند با دست بردن به جیب و سفره کارگر و معلم و بازنشسته حل میکنند، چهل سال است دارند این کار را میکنند. استاد این کارند.

اما صفوف ما هم دیگر در موقیعت گذشته نیست. خیابانها و صحنه اجتماعی برای طرح و پیگیری مطالباتمان تسخیر شده اند چون ادامه این وضع دیگر قابل قبول و تحمل نیست.

برای قوی تر شدن و دستیابی سریعتر

به مطالبات باید قدرت جداگانه جنبش ها بهم پیوندد. منافع هر بخش از جنبش های معیشتی به حمایت و پشتیبانی بخش دیگری گره خورده است. این دفاع از حقوق و حق زندگی اجتماعی در شرایط امروز است، صحبت "دسیسه" و حرفهای درگوشی نیست. این همبستگی ضرورت دارد و نیاز مبرم است.

منفعت هایمان یکی ست و همه را این حکومت خودش به هم پیوند زده است. پایه ای ترین مطالبات کارگر و معلم و بازنشسته و.. مشترک و درهم تنیده است.

مُرد حقارت به کارگر میدهند تا معاش معلمان را به برده گی ارزان عادت دهند. و سرنوشت این دو، هم اکنون در نکتب زندگی از فقر بازنشستگان جاریست!

در تحلیل نهائی، هر درجه توان اقتصادی و سطح رفاه و خوشبختی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان

و سایرین در مناسبات موجود، تابعی از مکان اقتصادی/اجتماعی و درجه رفاه و خوشبختی نیروی کار بطورکلی ست.

در وضعیت موجود، جنبش مطالباتی کارگران، معلمان و بازنشستگان فقط با همسویی اعتراضات و عمل متحدانه چشمگیر و هماهنگ، با ارتباط منظم مجامع و تشکل ها و شوراهای مستقل شان حول پایه ای ترین مطالبات و خواست های مشترک (حق تشکل و اعتصاب و درمان و تحصیل رایگان و حداقل مزدهای بالای خط فقر، تا رتبه بندی و همسان سازی و بازپس گیری صندوق ها و آزادی زندانیان و...) قادر خواهند شد این حکومت و دولت و کارفرماهایشان را به تمکین خواسته هایشان عقب برانند!

شورای بازنشستگان ایران برگرفته از مدیای اجتماعی

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در نقد بخشنامه غیر کارشناسانه بازگشایی کامل مدارس

که با کمبود نیروی آموزشی و مشاور مواجه است، و مقوله ای همچون مراقب سلامت، بیش از هر چیز تخلیل فرادستان آموزشی است.

۳. در این بخشنامه بر الزام مدیران مدارس در راه اندازی سرویس مدارس تاکید شده است.

این در حالی است که در همین مدت آموزش ترکیبی که معلمان الزام بر حضور در مدارس داشتند، بسیاری از همکاران از عدم دسترسی به سرویس مدارس در مناطق دور افتاده گله مند بوده اند.

در نتیجه قابل پیش بینی است که در نتیجه اقدام عجولانه کنونی، بدون در نظر گرفتن زیر ساخت های لازم، شاهد هرج

۴۰ دانش آموز در یک کلاس ضمن ایجاد مشکلات آموزشی، در شرایط کرونایی کنونی می تواند عواقب جبران ناپذیری بدنال داشته باشد.

این در حالی است که بسیاری از این مدارس فاقد امکانات اولیه تهویه و فاقد فضای آموزشی کافی و مناسب برای رعایت پروتکل های بهداشتی است.

۲. در حالی در بخشنامه صادره بر مراقبت دانش آموزان توسط مراقبین سلامت تاکید شده است که عملاً بسیاری از مدارس کشور فاقد چنین نیروهایی است.

در واقع تاکید بر چنین مواردی در بخشنامه وزارتی، بیشتر جنبه تبلیغاتی و رسانه ای داشته و خود مسئولان وزارتخانه هم می دانند، مدارس کشور سالهاست

اینبار تلفات جبران ناپذیر در کودکان خواهیم بود.

اما همچنان وزارتخانه بر نظرات غیر کارشناسانه و بدون تایید متخصصان بهداشت و درمان کشور اصرار دارد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن نقد این عملکردهای غیر کارشناسانه موارد زیر را به سمع و نظر همکاران و هموطنان عزیز می رساند:

۱. در بخشنامه بازگشایی مدارس، در حالی بر عدم الزام به رعایت فاصله گذاری های فیزیکی تاکید شده است، که در مدارس شهر های بزرگ به ویژه مدارس استان تهران با تمرکز جمعیتی بالای دانش آموزان مواجه هستیم.

در بسیاری از این مدارس حضور بیش از

در حالی که بیش از دو سال از شیوع ویروس کرونا در کشور می گذرد و در این فاصله جان بسیاری از هموطنانمان قربانی عملکردهای غلط و سوءمدیریت مسئولان شده است، همچنان شاهد تداوم این سیاست ها به ویژه در ساختار آموزش عمومی کشور هستیم.

در حالی با بخشنامه ها و پیام های متعدد از سمت وزارتخانه، اداره و مدیران مدارس، برای تاکید و در حقیقت تهدید معلمان و دانش آموزان در ۱۴ فروردین برای بازگشایی کاملاً حضوری هستیم که بر هیچکس پوشیده نیست که بعد از تعطیلات نوروز و سفرهای نوروزی و شنیده ها از سویه جدید کرونا و موارد مشابه ما احتمالاً شاهد گسترش و اپیدمی مجدد این بیماری و همچنین